{در فاصله ... کیلومتری شهر... در کشور افغانستان و نزدیک کوه‌های ... در مکانی شبیه به لنگر اهل فتوت وارد شدم حضرت مولانا زین الدین را دیدم همراه با ۱۵ نفر از پیران بلخ و شاعر دقیقی و چند پیر از باختر (غرب) وچند نفر از کشمیر و هند و پنجاب و بابا قندهاری و غیره حضور داشتند و همگی علی رغم این‌که فوت نموده بودند اما زنده بودند حضرت مولانا زین الدین برخاست و خوش آمد گفت و فرمود که به نقطه عالم المسط از جهان ما خوش آمدی البته اشاره از نقطه به فضای ۴ در ۲ داشت که در جهت عکس عقربه ساعت می‌چرخد با رکن و مقام (نقطه‌ای در مسجد الحرام و محل شهادت نفس زکیه و جایی که چندین پیامبر در آن دفن هستند و محل بیعت حضرت مهدی عجل اللّه با یارانش می‌باشد) با فاصله‌های ۵تایی و با گام‌های کوتاه متوسط و بلند مانند گام‌های موسیقی با صوت و حرکت و چرخش اسرار و اعداد در کن فیکون جهان و فرمود این رازی است برای طی الارض(پیچیده شدن زمین زیر پا) و طی الهوا (درنوردیده شدن هوا زیر پا) و طی الصوت و طی البحر (درنوردیده شدن دریا زیر پا) و طیر الهوا (پرواز در هوا) و طیر الارض(پرواز در فاصله نزدیک به زمین) و طیر البحار(پرواز با فاصله نزدیک بر روی دریا) و سخر الوحوش (تسخیر وحوش) و سخرالاشیا(تسخیر اشیا) و تسخیر الممکنات (تسخیر هرآن‌چه در عالم هست) چنان که برای تکان دادن زمین (ایجاد زلزله) و نابودی دشمن در ممالک مختلف در آخرالزمان آقایمان (حضرت مهدی عجل اللّٰه) در ۳جهان و ۵مُلک و ۹ عالم از رازهای این نقطه استفاده می‌کند و این سلاح برنده را چون گوهری حفظ می‌نماید و سالی یک بار در آن نقطه که چشمانت لیاقت دیدنش را یافته جلوس کرده و اربعینی به دل می‌گذراند

و برای آموزش یارانش در این مکان استفاده‌های معنوی و مادی اعم از سخارات (تسخیرات) و علم النفوس (علم به نفوس و روح و باطن خلایق) و حدوث العوالم الغیب و الامکان بسیار است (ایجادعوالم غیب و خلقت ممکنات در آن و إنچه که توانایی حدوث در یکی از عوالم اعم از غیب یا محسوس را داشته باشد) و خواص الفتوح الاذهان و ادراک المحسوسات و المعقولات فی الکواکب الخواطر و الاذهان را دارا می‌باشد.}

نکته ۱: عالم المسط وسیله‌ای است دایره‌ای شکل، شبیه به اسطرلاب مسطح و فلزی که در محیط بیرون لنگر قرار دارد. این دایره به هفت قسمت تقسیم شده است که ظاهراً با هفت کوکب در ارتباط است و هفت آیه از یکی از سور قرآنی به صورت وفق و طلسمات بر بروی هر کدام از هفت قسمت دایره نقش بسته شده است. در هر قسمت دایره وفق و طلسم مربوط به یک آیه که با یک کوکب در ارتباط است نقش بسته است. حرکت بر روی این سازه با گام‌های موسیقی در ارتباط است و می‌دانیم که در علم تنجیم هر کدام از نُت‌های موسیقیایی را به یک کوکب منسوب می‌نمایند. گفته شد که توالی روزهای هفته با گام‌های چهار چهار موسیقی افلاک قدیم هماهنگی دارد اما این‌جا شکل گام‌ها متفاوت است.

نکته ۲: هر کدام از توانایی‌های عالم المسط با یک مدل خاص از توالی گام‌های موسیقیایی بر روی وسیله فعال می‌شود. برای مثال شکل گام‌ها و توالیشان و فواصلشان بر روی مسط که به طی الارض منجر می‌شود با شکل گام‌ها و توالیشان و فواصلشان که منجر به طی البحر می‌شود متفاوت است.

نکته ۳: فقیر از زمان و چگونگی ساخت این وسیله بیخبرم اما ظاهرا بزرگان حاضر در محل عالم المسط در ساخت این سلاح قدرتمند نقش داشته‌اند و این سلاح قدرتمند در طی سال‌ها و چندین قرن توسط این بزرگان تکمیل شده است و سپس به امام عصر عجل اللّٰه تعالی فرجه شریف تحویل داده شده است

نکته ۴: بعضی بزرگان یاد شده نظیر بابا قندهاری ظاهراً از صوفیان اهل سنت بوده‌اند و این همان درستی سخن بزرگانی نظیر آیت اللّٰه سید علی قاضی را نشان می‌دهد که می‌گویند تمام بزرگان عرفان یا به کمال نرسیده‌اند یا باطناً شیعه بوده‌اند. البته این جمله معنیش این نیست که این بزرگان حتماً جعفری مذهب بوده‌اند بلکه منظور این است که ولایت امیرالمومنین علی (ع) و یازده فرزندش را پذیرفته‌اند و به عین الیقین اولی الامری حضرات معصومین را درک نموده‌اند و باطناً به آن اقرار نموده‌اند هر چند که در جامعه اهل سنت زندگی نموده باشند.

نکته ۵: این‌که حضرت هر سال در مکان عالم المسط اربعین می‌نشیند. احتمالاً برای حفظ و افزایش قدرت این سلاح مربوطه است. در واقع عمل حضرت به مانند صیقل دادن سالیانه تیغه چاقو می‌باشد که بُرندگی آن را افزایش می‌دهد.

زمان اربعین مشخص نیست اما به احتمال زیاد زمان اربعین موسوی نمی‌باشد زیرا حضرت بنا به نقل بزرگان هر سال در مراسم سالیانه حج تمتع شرکت می‌نمایند.

درست است که برای حضرتش زمان و مکان به مانند ما نیست و می‌توانند ده‌ها و صدها جسم برای خویش ایجاد نمایند اما با اینحال چنین مسئله‌ای بعید است و در سیره معصومین کمتر چنین مسئله‌ای دیده شده است.

نکته ۶: اما در مورد این سخن مولانا زین الدین «آقایمان در سه جهان و پنج مُلک و نُه عالم از رازهای این نقطه....» ابتدا باید بگویم که اولا ظهور حضرتش تمامی عوالم را در بر می‌گیرد و ماجرای ظهور حضرتش تنها زمین ما را در بر نمی‌گیرد و در باب این عوالم باید این را بدانیم که زمین ما نسبت به جملگی این عوالم حالت مرکزیت دارد!

زمین ما در سه جهان، در جهان میانی یا دوم است.

شاید در پنج مُلک، مُلک سوم باشد! (ابتدا باید به تعریف درستی از پنج مُلک دست یافت)

در نُه عالم، عالم پنجم می‌باشد

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌نمایید و گفته شد زمین ما حالت مرکزی نسبت بدین عوالم درگیر در مسئله ظهور را دارد و به همین دلیل است که جملگی موجودات این عوالم با بازشدن مرزهای عوالم به زمین ما خواهند آمد. تا بسیاری از تصفیه حساب‌هایشان در عالم ما انجام شود و انتقام‌های بسیاری گرفته شود ! همه با هم خواهند جنگید چه ایزدان مثبت و منفی که نامیرا هستند چه اهل جابلقا و جابلسا و تارس و تافیل و یأجوج و مأجوج و مألوق و مأسوخ و دیگران و دیگران جملگی با باز شدن مرز سرزمین‌ها وعوالمشان درگیر مسئله ظهور خواهند شد و با یک‌دیگر درگیر خواهند شد!

چه آنان به زمین ما بیایند و چه حضرت صاحب الامر عجل اللّه به سرزمین هایشان لشکر کشی نماید ظهور جملگی این عوالم را در بر می‌گیرد.

بنابراین باید توجه داشت که ما در آخرالزمان تنها شاهد مرئی شدن جنیان و دیوها و پریان نخواهیم بود و موجودات ناخوانده دیگری نیز احتمالاً به عالم ما خواهند آمد.

ایجاد نمودن زلزله‌های گسترده در سرتاسر عالم توسط حضرت حجت ارواحنا له الفدا ممکن است تنها دلیلش نابودی دشمنان نباشد زیرا باز شدن مرزهای عوالم درگیر در مسئله ظهور نیز با زلزله‌های گسترده همراه خواهد بود!

یعنی بدون زلزله‌های بزرگ، زمین به غیر این زمین مبدل نخواهد شد و مرز عوالم باز نخواهد شد. بنابراین ایجاد زلزله‌های گسترده می‌تواند به نوعی پیغام دعوت برای این موجودات برای حضور و مبارزه در زمین ما باشد!

پیشتر در دروس به نظریه سه جهان در اساطیر اشاره نمودیم و گفتیم که در نزد قدما عالم به سه جهان تقسیم می‌شده است:

۱: عالم زیرین یا عالم تاریک مردگان که عالم زیر زمین نیز نامیده می‌شود.

۲: عالم میانی که شامل زمین و آن‌چه بین آسمان و زمین است.

۳: عالم بالایی که شامل آسمان‌ها می‌شود.

اللّٰه تبارک تعالی نیز در آیه ۶ سوره مبارکه طه بدین سه عالم اشاره نموده:

{لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَی ﴿۶﴾= آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین و آن‌چه میان آن دو و آن‌چه زیر خاک است از آن اوست (۶)}

حال با توجه به نظریه تطابق عالم صغیر و عالم کبیر اگر به ساختار بدن انسان دقت نمایید. آن را سه قسمتی می‌یابیم:

۱: سر و گردن که معادل عالم بالایی در جهان اسطوره‌ای می‌باشد.

۲: تنه که معادل عالم میانی می‌باشد.

۳: ران‌ها و پاها که معادل عالم زیرین می‌باشد.

اما پیش از پرداختن به پنج مُلک به ۹ عالم می‌پردازیم.

نظریه وجود نُه عالم در اساطیر هند و نورس (شمال اروپا) مطرح شده است.

اساطیر نورس به اساطیر کشورهای آلمان و دانمارک و سوئد و نروژ و فنلاند می‌گویند. فقیر با توجه به محدود بودن منابع دربارهٔ نظریه نُه جهان در اساطیر هندی، نظریه نُه جهان را از اساطیر نورس برای شما عزیزان به طور مختصر می‌آورم. در اساطیر نورس یک درخت بزرگ کیهانی تحت عنوان ایگدراسیل وجود دارد که در مرکز جهان قرار دارد و این درخت ۹ عالم را به یک‌دیگر متصل می‌نماید در بالای درخت مسکن اُدین خدای خدایان اسکاندیناوی است و یک عقاب بزرگی وجود دارد و گاهی این عقاب خود اُدین است.

(اُدین این‌جا به خورشید خدایانی نظیر ایزد مهر و ایزد فرومایه رع. شباهت دارد که پیکشان از پرندگان می‌باشند که صفت عطارد دارند.)

در پایین درخت ماری غول آسا وجود دارد و این مار غول آسا با عقاب بالای درخت در حال مبارزه است و سنجابی نیز وجود دارد که از درخت بالا می‌رود و بین این دو خبر می‌برد و می‌آورد و پیام‌ها و ناسزاهایشان را به اطلاع طرف مقابل می‌رساند. این درخت یک درخت زبان گنجشکی است!

در پای درخت چشمه‌ای است به نام میمیر که از هر یک از شاخه‌های درخت جاری است و این چشمه‌ای است که اودین برای دست یابی به دانایی و معرفت از آن می‌نوشد ! این درخت سیبی نیز می‌دهد که باعث جاودانگی می‌شود و ایزدان از آن می‌خورند!

کارکرد درخت پیوند آسمان و زمین است که سه جهان و نُه عالم را به یک‌دیگر متصل می‌نماید.